

کتاب طب

145

به ندرم دارو کوفته و بچته بروغن کرکمان چرب کنند با حسن بر آرد و در آن او بپزد  
 صافی کشند و بعد از شستن و استعمال نمایند **نقدی دیگر** چیرا نرمان و بنفشه و  
 مویز و جاقوت کهنه **مغز** میوه سیاه و پوست پسته آرد مقشره او هم یک سر نمیشد  
 شویزه پسته چهار درم طمشیر و سعد و غسل ملا در از هر یک شش درم مال بوقت دم  
 غلغل دار غلغل کخیل غلغل مویز ایسوان از هر یک دو ارده درم فایده شنیدم  
 فایده درم کریم کله اندر و او در کوفته و بچته و غسل ملا در بدان مخلوط کنند و بعد از آن  
 استعمال نمایند **نقدی دیگر** مضر و عار است تا نافع بود **مغز** پوست پسته کاملی پوست  
 پسته آرد مقشره کشیر خشک اسطوخودوس انشلیک یک تخم خدیو پسته کریم بود صفت کخیل  
 صغر غسل ملا در از هر یک سه درم غسل صاف نموده سه وزن آرد به بطریق مضمون سازند  
**ام و یک** جگر و کله سود دارد و سته و کیت و لول بر اند و سنگ ز کرده و من زبال کنند در  
 آسفانغ است **مغز** کهنه ریزه کرماند و قو و قو و کله سیلی قره مانا قلع ادرم تخم کرماند  
 یک درم قرط غلغل دار غلغل از هر یک یک درم تر صاف سه درم حصار دو عدد و مع زعفران از هر یک  
 دو درم کوفته و بچته و غسل پسته شری مقصای کفند و ق در آن نافع بود **نقدی دیگر** او فاع کله و  
 طحال و صده و اسهال بلغمی و سعال من و قی دم و ضرر و مع کله و متان و بود و لوانه  
 نافع بود و با و اسکن و در و اسکن **مغز** کریم و زعفران خدیو پسته کریم و زعفران

الشرع علی ذلک...  
که شیر خشک از هر یک...  
از هر یک...  
در کبر سفت...  
صاف...  
بسته...  
عسل...  
مشغال...  
اجود...  
بهری...  
بسته...  
در سینه...  
کوش...  
مشغال...  
کوفته...  
بوا...  
و طعم...  
دار...  
شغال...  
سفید...  
بعسل...

**نایب معجزی**

**مغفله**

نافع بود و دهن را بیکو کرد و اندولون اصنافی که **مفت آن** پوست پلید کاتبی  
 پوست پلید پوست پلید زرد و پلید سیما آمد معشر مساوی کوفته و چخته بر بادام  
 حرب کنند و باره مقدار آن محل بشیرند شری دوم **مفت آن** بعد از  
 فوت دهد و در دسر و در چشم و در کوش را که سب آن از بخار باشد  
 نافع بود **مفت آن** پوست پلید کاتبی پوست پلید سیما آمد معشر کثیر خوشک  
 کوفته و چخته روغن کما و حرب کنند و باره مقدار آن محل بشیرند و بعد از دو  
 استخوان **مفت آن** جهت بواسیر عظیم **مفت آن** پوست پلید زرد و  
 پوست پلید سیما انیمون اسطوخودوس از هر یک درم مقل فلوس خیار  
 از هر یک سی درم مقل و فلوس ادر آب حل کنند تا بگذارد و **مفت آن** مقل  
 اصناف کنند و چو شاند تا بچو هم آید و دارو دارا کوفته و چخته **مفت آن**  
 بنوعی دیگر پوست پلید زرد پوست پلید کاتبی پوست پلید سیما آمد معشری از هر یک  
 پیچ درم زرد پیچد **مفت آن** درم مقل از زرق و روغن بادام از هر یک  
 پوست درم مقل نیم من آب کنند تا بقدر حاجت مقل ادر آب حل سازند

قد شربت گنجان



هزار پودا سو و در **صفت** پودا کبابی با ترا و ارم پودا که مفسر زبرد سفید خرد و که  
 در کردن با سفید پودا خشک کرده از هر یک پنج درم افسه و نون درم  
 بسفید کبابی اسلو خود و کس سناقی از هر یک صفت درم شیطنج زرد و  
 غاریقون و شاد از هر یک سه درم نیون صلیبی خرد و افسه و نون فرود و جوز و  
 سفید از هر یک درم کوفته و پخته و غسل شده شربتی پودا درم **لذیق**  
 بهق سفید و برص اسود و ارم کبابی موسی کبابی را و افسه و نون و صلیبی و  
**صفت** پودا کبابی صفت درم پوست پودا کبابی سفید از هر یک درم  
 پودا کبابی مفسر با پودا درم شیطنج سفید از هر یک سه مثقال سناج پودا  
 پنج درم بسفید کبابی اسلو خود و کس از هر یک صفت درم غاریقون سفید درم صط  
 سه درم کندر صلیبی افسه و نون خرد و جوز و ارم کبابی درم فلفل و افسه  
 کبابی از هر یک چهار درم کوفته و پخته و غسل شده شربتی سناج شربتی سه درم  
 چهار درم **لذیق** عرق بادق اسود و ارم کرده و زرد سیاهی استعمال نمایند و  
 این صفت پاک کند **صفت** پوست پودا کبابی پوست پودا کبابی سفید  
 کوفته و پخته و غسل شده و ارم کبابی و غسل شده شربتی سه







استعمال نماید که **سیرک** که قوی و موثر است در دفع باد است **صفت** سفید آب از زیر شست  
قدیمینا نقره صحنه حقی از هر یک در دم موی سوخته یک درم شسته فینیک از هر یک درم  
صدا که در دستمال بایند که **سیرک** که بهین صفت است **صفت** شاد و صفت در دم شسته  
قدیمینا نقره ایون سحره صفتانی از هر یک یک درم صحنه حقی از هر یک درم  
سفید آب از زیر شست هم بهر چه کرده است **صفت** که در معده را قوت دهد و نفخ را دفع کند  
شسته و صحنه آورده **صفت** نان تازه گرم در کوزه آب پخته بکنند تا سرد شود و بعد از آن  
سحر که می کنند در اوقات سردا در روز سحر که بر سر آن زنند و در روز یکم در وقت خمیر آن  
تازه کنند و در روز یکم شیر و انگور خمیر آن تازه کنند بعد از آن دو یک گرم کوفته و به صحنه بر سر  
بزنند چون اینست که آب در رفیق که در این خمیر مقدار یکین بگیرند و مقدار سه درم سحر  
که سحر که سحر که در روز و در مای گرم نیم کوفته در آن اندازند و در وقت روز و اوقات  
و بعد از آن استعمال نماید **صفت** بودت معده و جگر و رحم و اجناس طشت را مایع بود  
و ریاح کشاید و غلیظ را دفع کند و سده جگر و کبد **صفت** زنهار و در وقت صحنه حقی  
جند ستر عاقره حافل سلجیوم الجوس برز الی قسط البیجی جاونیر زعفران از هر یک شش درم صحنه  
بنت درم مر و درینا صفت دو درم باز و هر از هر یک و از ده درم غسل دو وزن بود

بطریق متعارف معجون سازند برین نسخه اولی بسیار کام و نریه را نافع بود و او صاع را سنگ  
 و قطع خون فتن بکنند **صفت** حاصل سفید و سیاه از هر یک است مثقال زعفران افیون از هر  
 مثقال زعفران سیخ مثقال سبیل الطیب قمر مرخا فریون از هر یک یک مثقال کوفته و پیخته  
 با سه چند آن غسل کنند و بعد از چهار ماه که در میان جویند و در آن شکر می ریزند  
 استعمال نایبند تا اول بهر و حرقه البون و قروح بکند و مانند و حرقه البون نافع بود **صفت**  
 منقرض خم خمر زده درم مغز خربزچه درم مغز تخم که در زیر آبله چ تخم خرفه تخم خرمخیزه و تخم  
 کثیر آن است در آب شوش سفید کل اینی که در آن از هر یک درم بکوبند و ساق سازند  
 شربتی درم شراب خسته شمشیر **صفت** حرقه البون و زردی سپاهل مسدق نافع  
**صفت** مازوی بزمیک درم کند که زانج از هر یک چند درم افیون چهار درم حب الاس  
 و درم کوفته و پیخته ساق سازند تا اول **صفت** کوبند و در آن سبیل  
 چند پندم شوش نیز تا خواه کمین افیون مسوی کوفته و پیخته ساق سازند هر یکی  
 و آنک ساق دیگر منقوص و جمع قویج مازوی تسکین **صفت** تخم کاهو تخم خرفه افیون  
 مسوی کوفته و پیخته ساق سازند تا اول ساق سازند هر یکی و آنک سبیل  
 از آن یک حکما بنده است و از جهت خدایم عظیم نافع است **صفت** سفید سبیل مسطح  
 هر یک درم و در آن سفید درم پیش سفید درم نیم کوفته و پیخته ساق سازند و در آن سبیل

سفید ز راه در مخرج سینه نکل سنج یا قوت باقی از حسن سنج و سفید از هر یک درم یک  
 شکر درم پوست گریخ سه درم پوست پسته یک درم شکر انیسون زعفران از هر یک یک درم نیم  
 مشک یک درم کوفته بخته بسمل معجون سازند شکر می یک درم تا و منقار **معجون بوس** حافظه را  
 قوت بدهد و سیب از نافع باشد **صفحه** طار در اقیانوس از هر یک درم صبر صفت منقار  
 غار بقون بر چای منقار سینه مریج زرا و زعفران از هر یک درم صبر صفت منقار قسطم  
 سداب غنفل سفید از هر یک منقار غسل سه چهار یک بطریق معهود معجون سازند **معجون**  
**مخفی** بایستی مزاج و در معده را سرد دارد **صفحه** قطره حمام سبیل سینه صفت منقار از هر یک  
 درم زرا و بیدریز غنفل سیاه کرم کرفس کرم شبت انیسون ناکخواه زیره دونه قطره اسالیب و کاشم  
 اسارون استیس انجیران فودنه نضاع از هر یک درم کوفته بخته بسمل معجون سازند شکر  
 سه درم **معجون زودف** نافع است ربو و ضعیف نفس **صفحه** زودف ربو استوس پسته و سداب از هر یک  
 درم درم قرد ما غنفل از هر یک سه درم بادام میخ زرا و زعفران از هر یک یک درم بسمل معجون  
 سازند شکر می یک غنفل **معجون قمر** قویج را بکشت **صفحه** زنجبیل غنفل سفید از هر یک سه درم سقونیا  
 درم خمای دانه بیرون کرده خربادام و برگ سداب از هر یک شفت درم غما را درم که خفت  
 یک شبار زودف بکونند و دار و مارا کوفته بخته بایست غسل صفت معجون سازند شکر می سه درم تا چهار درم  
**معجون صلیب** صلابه پسر زودف کرده و معده و کرده و منشاء نافع است **صفحه** بکشت بر صفت خطی ندارد  
 غنفل سیاه از هر یک درم قسط سادج بسمل معجون سازند شکر می از هر یک صفت منقار کوفته بخته بخته درم  
 آن غسل شکر زودف درم بایست **معجون استینه** در معده و جگر که از سردی درم زرا و کاردان

در کف